

که ظهیر الدوله آغاز شد .

در دوران سلطنت احمد شاه ، فعالیت انجمن اخوت ، بیشتر شد . زیرا شاه ، بد حسن میرزا ولیعهد را به انجمن فرستاد و او در همان خانه‌ای که هنوز نگلوله‌های توپ سر بازاران محمد علی‌شاه در آن باقی بود ، مشرف به فقر گردید . روزی که محمد حسن میرزا ولیعهد وارد سلك درویشی شد ، به مناسبت دهمین سال تأسیس انجمن اخوت جشنی برپا بود ، در آن جشن ظهیر الدوله ایراد کرده گفت :

یا مولی

«انجمن اخوت سال دوازدهم علنی شدن خود را بیابان رسانید و بتوفیقات کالی تا یک درجه‌ای بمقاصد اصلی خود نایل و کامیاب گردید .

همه می‌دانیم که انجمن اخوت در موقعی علنی شد و جلسات خود را آشکار نموده هیچ‌وجه رسمی از مساوات و برادری و اسمی از حقوق ملی و حکومت افرادی پنهان نبود و بدون اینکه با الفاظ پرداخته افکار خود پستندان و متنفذین را تهییج کند کردار را مقدم داشته عامه را ملتفت ساخت که اگر امتیازی در میان بنی آدم است ، همانا امتیاز خدمتی و شرف فضلی است و آن فضل و شرافت هم در صورتی حق و مسلم خواهد شد که خلق خدا را از آن بهره و فایده‌تی حاصل آید .

آری ، انجمن اخوت بوده که صورت متکبرین را درهم شکست و صدور وقت شاه سلطنت عصر را با فقراء و اصناف هم زانو و جلیس نمود و انجمن اخوت بود که تشکیل هیئت شوری را در حوزه خود اعلان کرد و ترقیات مدنی را بتهدیب الاق و تزکیه ملکات افراد ملت اشعار نموده و شکر اللمولی که زمین دلها مسقد و این بذر را برویابیند و درختی بارور و سایه گستر فرمود . تاریخ عالم و نژاد آدم از قرون خالصه و اعصار سالفه نشان می‌دهد که در دنیا هیچ‌وقت تنها قوانین قواعد سیاسی موجب نجات و رستگاری و اسباب سعادت و تکامل هیچ قومی نشده اگر چه مناسبات اشتراکی آنان را منظم و مرتب داشته ، ولی چیزی که بلك ملتی را

بنام نیک و استقلال عناصر در میان نوع خود سرافراز نموده همانا اخلاق و ملکات آنان بوده که بوظایف خویشی که حفظ حدود آدمیت و رعایت روابط اخوت بوده موفق گردیدند و دانستند که انسانی برای انس و معاونت با یکدیگر است نه برای تفاخر و مخالفت.

پس بر ما برادران روحانی و معنوی لازم است که اگر سعادت ملک و ملت را خواستار باشیم و البته خواستاریم باید با اخلاق حسنه کوشیده خلق را نهال بوستان الهی دانسته خود را بتربیت و باغبانی مکلف دانیم که اگر هر توانائی دست ناتوانی را می گرفت هر آینه هیچ افتاده ای در عالم دیده نمی شد.

عالم معاش و حیوة حیوانی عالم جنگ و جدال و میدان غلبه و جنجال است و عالم اخلاق انسانی عالم صلح و مسالمت و برادری و برابری و همان عالمی است که خونها برای اساس و استوار آن ریخته شد و کتب و رسائل آسمانی برای تبلیغ آن منزل و مأمور گشت، که ما برادران نیز مأمور پیروی همان دستوریم و مجبور بتقویت همان اساس که مفاسد مساوی اخلاقی را که جالب تجاوز و مخالف است از خود دور و محاسنی را که موجب سلامت و سعادت است، تعقیب نمائیم. صفا علی.

انجمن اخوت، از آن پس دوران عادی خود را آغاز و طی کرد و حتی در دوران سلطنت اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر که فعالیت احزاب، جمعیتها و انجمنها متوقف شده بود، این انجمن کماکان هفته ای یک روز تشکیل جلسه می داد. پس از فوت ظهیرالدوله، مرحوم انتظام السلطنه (پدر عبداله و نصراله انتظام) مرشد طریقت شد و بعد از او نیز فتح اله صفائی (صفا الملک) مرشد گردید و اکنون عبداله انتظام این سمت را دارد. پس از وقایع شهر یور + ۱۳۲۰ - که احزاب جدیدی بوجود آمد، انجمن اخوت هیچگونه فعالیت شدید علنی نداشت، فقط در سال ۱۳۲۷ شمسی که دو حزب (عامیون دمکرات) با هم ائتلاف و «حزب عامیون ایران» را تشکیل دادند،

۱- این دو برادر از استادان و اعضاء هیئت رهبری سازمان فراماسونری گراند لژ مستقل

روزه ۱۵ بهمن آن سال اعلام رسمیت کردند، انجمن اخوت نیز که در رأس آن یازده از اعضای قدیم هیئت مشاوره قرار داشتند (که بعضی از آنها معروف به عضویت در قه فراماسونری هستند) شروع به فعالیت علنی کرده و جشن پنجاهمین سال خود را گزار کرد.

فعالیت علنی (عامیون - اخوت) که اعضای مؤثر هر دو دسته معروف به عضویت در قه فراماسونری هستند، این شبه را بوجود می آورد که دوسال مان فراماسونری (کلیس - فرانسه) باردیگر قصد فعالیت علنی داشتند، ولی حادثه ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ قمری تصدی که بحیات شاهنشاه آریامهر اعلیحضرت محمد رضا شاه پهلوی صورت یافت، موقتاً فعالیت علنی و تظاهر این دو دسته را متوقف کرد.

انجمن اخوت که روز ۲ تیر ۱۳۲۷ شمسی (۱۵ شعبان ۱۳۶۸ قمری) پنجاهمین تأسیس خود را جشن گرفت، در کتابی که منتشر ساخته است اعضای هیئت مشاوره را آغاز پنجاهمین سال فعالیت بشرح زیر معرفی می کند:

- ۱ - دکتر اسماعیل مرزبان (امین الملک) رئیس هیئت مشاوره .
- ۲ - ابراهیم حکیمی (حکیم الملک) .
- ۳ - حاج شمس الدین جلالی (فطن الملک) .
- ۴ - تیمسار سر لشکر فرج الد آق اولی .
- ۵ - نصراله صبا (مختار الملک) .
- ۶ - همایون سیاح .
- ۷ - اسداله عین اسفندیاری (حاج عین العمالک) .
- ۸ - محسن قریب .
- ۹ - آقا بزرگ بیات .
- ۱۰ - علیرضا میرزا حکیم خسروی دبیر انجمن .
- ۱۱ - فتحاله صفائی صفا الملک .

در این جشن نطقها و خطابه‌هایی درباره تاریخچه انجمن اخوت، صفی‌عاشاه

وهرام و مسلك درویشی ایراد شد و در کتابی که بهمین مناسبت منتشر شد و حاوی مطالب ایراد شده می باشد، اسامی اشعده بعنوان افراد شاخص و برجسته ذکر گردیده است :

- ۱- سر لشکر مجید فیروز (ناصر الدوله) .
- ۲- اسداله داوری (مؤید حضور) .
- ۳- غلامعلی خواجه نوری (نظام السلطان) .
- ۴- محمد حسین سمیمی (ادیب السلطنه) .
- ۵- شفیعا (مقتدر الملك) .
- ۶- اسداله مصفا .
- ۷- هدایت قلبی رهبری .
- ۸- غلامحسین رشته .
- ۹- برادران برومند .
- ۱۰- حاجی داداش - حاج عبداله مستشارالتجار کرمانشاهی .
- ۱۱- علی نعمتی مستشار .
- ۱۲- ع - شهری .
- ۱۳- صفا علی صفائی .
- ۱۴- امینی اصفهانی .
- ۱۵- محمود جم .
- ۱۶- علی هیئت .
- ۱۷- دکتر لقمان الملك .
- ۱۸- فتحاله صفائی .
- ۱۹- فتحیه .
- ۲۰- هاشم ملك مدنی .

۲۱ - امیر محسن بایگانی^۱

۲۲ - مهندس جعفر صفائی .

۲۳ - مهندس رحمت‌اله صفائی .

انجمن اخوت در سال ۱۳۳۸ شمسی (۱۹۵۸ میلادی) شروع به تجدید ساختمان سالن انجمن در خیابان فردوسی کرد، و اکنون در روزهایی که لژهای اماسونی (مهر - آفتاب - صفا - وفا) جلسه دارند، سالن داخلی انجمن را با تزیین خاصی تزئین می‌کنند و علائم و پرچم لژها را به دیوار و بالای صندلی استاد می‌کنند. اما در روزهای پنجشنبه و جمعه جلسات عادی قرا و در اویش منعقد شود و در آن روز هیچ گونه علائم و آثاری از فراماسونها وجود ندارد. در حال حاضر انجمن اخوت دبیرخانه لژهای گراند لژ مستقل ملی است. و بیشتر مراسم شریفات مذهبی در اویش در سر مقبره ظهیرالدوله انجام می‌گیرد. و عبدالله نظام یکی از استادان هیئت رهبری گراند لژ مذکور در رأس در اویش صفی‌علیشاهی ار دارد .

۱ - در روز جشن تصدای منحصر بفرد از اشعار مرحوم ظهیرالدوله را که در اختیار

امیر محسن بایگان بود ، مجاناً بین مدعوین توزیع کرداد .



لژهای تابع اتحادیه لژهای آلمان در ایران و گراند لژ مستقل ایران

یکی از پدیده‌های نوین فراماسونری در ایران، پیدایش لژهای تابع «اتحادیه لژهای آلمان» در ایران است که بعد از شش سال پذیرفتن «برتری و عبودیت و سروری» لژهای انگلیسی، استقلال خود را اعلام کردند و سازمان جدیدی تحت عنوان «گراند لژ مستقل ایران» تشکیل دادند.

اعضای لژهای وابسته به گراند لژ آلمان، نخستین افرادی بودند که علیه پذیرفتن «عبودیت» و قبول «برتری و سروری» لژهای انگلیسی قیام کردند و در قطع ارتباط با اینگونه لژها در جهان پیشقدم شدند. ولی مبارزه شدید لژهای تابع انگلستان و هم چنین مخالفت گراند لژهای مختلف در انگلستان، آلمان، فرانسه و بالاخره در خود ایران با اعضای لژهای آلمانی، سبب شد که آنها را از جامعه فراماسونی جهانی طرد کنند. با اخراج این افراد از لژهای آلمانی همه لژهای تابعه (انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها در ایران) آنها را از ورود به محافل ماسونی خود منع کردند و حتی آمیزش عادی با آنها را برای فراماسونهای جهانی مضر و غیر قانونی و ممنوع اعلام داشتند.

دامنه مخالفت‌ها و مبارزاتی که لژ نشینان انگلیسی و فرانسوی علیه متمرذین پیش گرفتند به ایران نیز کشیده شد، تا جائیکه چهل نفر از اعضای لژ ستاره «مطور پنهانی با لژهای انگلیسی و فرانسوی سازش کرده و با کمک کارگردانان لژها موفق شدند، بار دیگر به «لژهای متحده آلمان» ملحق گردند و زیر آلمان فعالیت خود را ادامه دهند.

قبل از اینکه به تشریح فعالیت لژهای مذکور و حوادثی که منجر به جدائی آن‌ها از آلمانی و ایجاد گراند لژ مستقل ملی ایران شد، بپردازیم، بد نیست «لژهای متحده آلمان فدرال» چگونه تشکیل شدند و به چه ترتیب با لژهای ملی جهان پیوند و پیوستگی پیدا کردند.

می‌دانیم که آدولف هیتلر در دوران زمامداریش در آلمان **قبل فراماسونری** نه تنها همه لژهای فراماسونری را همراه با سایر سازمان‌های **کلیسی در آلمان** سیاسی و غیرسیاسی، در این کشور تعطیل کرد، بلکه کلیه فراماسونهای صاحب مقام آلمانی را هم از مشاغل خود برکنار داشت. او حتی گروهی از فراماسونهای آلمانی را نیز که در خارج از کشور نفوذ داشتند از سازمان‌های دولتی اخراج کرد. چنانچه سفیر آلمان در ایران به اتهام عضویت در لژهای فراماسونری از پست خود معزول، و به برلن منتقل شد. این آلمانی فراماسون که فعالیت پنهانی خود را از سران نازی مخفی نگرد، یکی از رؤسای سازمان جاسوسی آلمان در خاورمیانه به خصوص در ایران **ممالک عربی** بود. برای این که بدانیم که این جاسوس زبردست آلمانی چه کرده، آنچه را که روزنامه «نیوز ریویو» در روز ۲۸ اوت ۱۹۴۱ (۶ شهریور ۱۳۲۰) درباره‌اش نوشته عیناً نقل می‌کنیم، تا فراماسون‌های آلمانی را بهتر بشناسیم:

«فرنیس گروبا شخصی افسانه‌آمیز و وزیر مختار سابق آلمان در بغداد معاون لایق و کارآمد اتل [آخرین وزیر مختار آلمان نازی در ایران] بود.

گروبا پس از کودتای بی حاصل رشید عالی در عراق به همراهی امین‌الحسینی مرد لایق و مخالف انگلستان و مقتی سابق اورشلیم به تهران تبعید شد، و طبق اطلاعی که گروبا آنرا تصدیق نمود نام حقیقی وی «ارتور بورگک» و پدرش دکان عطاری داشته و بواسطه موهای سیاه و چشمان تیره رنگی که داشت همه دوستانش در مدرسه او را ترك می‌خواندند. آرزوی او برای گردش و سفر به شرق در جنگ گذشته تحقق یافت و در ارتش آلمان در ترکیه شغلی پیدا کرد. در سال ۱۹۱۸ در حلب زخمی شد و با يك دختر شانزده ساله اهل سوریه که به او (گل حلب) نام داده بودند، آشنا گردید و هنگامی که او را برای معالجه به بیمارستان مونیخ فرستادند دختر را به طور قاچاق و با تغییر لباس از مرز عبور داده با خود به آلمان برد. پس از چندی دخترک در گذشت و شاید از آن تاریخ وی نام خود را تغییر داده است. به هر حال گروبا اسلام اختیار کرد و مذهب و تعلیمات شرقی را بررسی نمود و پس از چندی در اداره خاورمیانه وزارت امور خارجه آلمان وارد خدمت شد... او يك دیپلمات ورزیده و کارگشته ایست که در اوایل تشکیلات نازی داخل حزب نبوده و برای ادای توضیحات راجع به روابط خود با جمعیت فراماسون آلمان به برلین احضار گردیده بود... گروبا، برای این که به زمامداران آلمان نشان بدهد که فراماسون نیست و با یهودیان که بوجود آورنده فراماسونیزم می‌باشند، دشمنی و عناد دارد: «در سال اول فعالیت خود در خاورمیانه مبلغ ده میلیون مارک طلا در راه تبلیغات بویژه برای توسعه سازمان شورش‌های ضد یهود خرج نمود...»^۲

نشریه دیگری که شرح مبارزات هیتلر با فراماسونیزم را می‌دهد می‌نویسد:

«گروبا مثل صدها آلمانی دیگر که عضو لژهای فراماسونی آلمان بودند، خیلی زود به جنگ نازی‌های ضد ماسون و ضد یهود افتادند»^۳ و باز چنانکه می‌دانیم مبارزه

۱ - رستاخیز ایران - فتح‌اله لوری استندیاری ص ۷۸۳ .

۲ - ایضاً ص ۷۸۳ .

۳ - مجله مولدلاوی شماره ۱۵۲ ژانویه ۱۹۶۶ .

با یهودیان و بزرگترین سازمان‌های بین‌المللی آنان (صهیونیزم) در رأس برنامه‌های رایش سوم قرار داشت و طرح «حل نهائی مسئله یهود» که مفهوم آن معدوم ساختن این قوم و نژاد بود، از همین برنامه ریشه می‌گرفت. هیتلر فراماسونیزم را شعبه‌ای از صهیونیزم جهانی می‌دانست و عقیده داشت که یهودیان جهان‌دریانه‌لرهای فراماسونری در سر تاسرگیتی بنفع خود فعالیت می‌کنند.

همینکه حمله سر تاسری آلمان به کشورهای اروپائی آغاز شد، هیتلر به فرماندهان قوای اشغالی، فرمان داد به هر کشوری که تسلط یافتند، نخست لژهای ماسونی آن کشور را منحل و کارگردانان آن را تحت تعقیب قرار دهند. این فرمان پیشوای آلمان نازی همه جا اجراء شد و در نتیجه گراند لژهای فراماسونری در همه کشورهای اشغالی اروپا منحل شد و اسناد و مدارك آنها به آلمان حمل گردید. دستور آدولف هیتلر نمایشگاه‌های ثابت و متحرکی از فعالیت‌های ماسونی با بنمایش گذاردن اسناد و مدارك مكشوفه ترتیب داده شد و از این‌راه نیز تبلیغات دامنه داری علیه صهیونیزم جهانی آغاز گردید.

پس از پایان جنگ دوم جهانی، و پیروزی متفقین، فراماسونهای اروپائی موفق شدند مقداری از اسناد و مدارك پیشین لژهای خود را بدست آورند و آنها را به کشورهای خود بازگردانند، چنانچه اسناد و مدارك لژهای فراماسونری فرانسه و سوئد و آنگن از برلین بیارس حمل شد و طبق دستور ژنرال دوگل، محموله واکن‌ها را به کتابخانه ملی پاریس تحویل دادند.

طی موافقت نامه‌ای که بعد از مدتی بین دولت فرانسه و لژهای ماسونی اعضاء رسید، طرفین موافقت کردند که اسناد مذکور مورد بررسی قرار گیرد، تا آن نسبت از اسناد که غیر لازم تشخیص داده شد، تحت نظر نمایندگان دولت فرانسه و استادان لژهای فراماسونی به کارخانه کاغذ سازی حمل شده و در آنجا بصورت (خمیر کاغذ) درآمده و بدینترتیب معدوم شود و بقیه در بایگانی کتابخانه ملی پاریس

نگهداری گردد. ژنرال دوگل موافقت کرد که این اسناد فقط با اجازه گراندها در اختیار محققین و مراجعین قرار گیرد و بدین ترتیب فراماسونیزم بار دیگر در فرانسه تجدید حیات کرد.

در این سالها سازمانهای فراماسونی انگلستان (گراندهای انگلند - اسکاتلند - ایرلند) نیز در صدد احیاء شبکههای ماسونی خود در ایران برآمدند، و برای این منظور نخست به ارتشیان انگلیسی که فراماسون بودند، دستور داده شد تا در نواحی اشغالی لژهای فراماسونی را تشکیل دهند. در سال ۱۹۴۷ چند لژ فراماسونی مهم تحت نظر گراندهای انگلیسی فوق الذکر تشکیل شد و در پایان همان سال «سازمان فراماسونی انگلیسی در آلمان» بوجود آمد.

این سازمان محل کار خود را در اداره مرکزی قوای اشغالگر انگلیسی در شهر «بداوین هاسن» قرار داده و با کمک فرماندهان انگلیسی، فراماسونیزم را بین مردان میانه سال آلمانی توسعه داد. در ماه می ۱۹۴۸ سازمان فراماسونی انگلستان در آلمان رسمیت یافت و همه گراندهای انگلیسی ارتباط با آنرا بلا مانع تشخیص دادند. در سازمان جدید در شهر «بداوین هاسن Bad oeyenhausen» تشکیل شد و گروهی از فراماسونتهای قدیمی آلمان که زنده مانده بودند، تقاضای تجدید عضویت و فعالیت در این سازمان را کردند. ملاقات در شعبات این لژ برای عموم فراماسونها آزاد شد و هر لژی که بوجود می آمد تحت نظریکی از استادان فراماسونری انگلیس، با قبول عبودیت یکی از گراندهای (انگلند - اسکاتلند - ایرلند) بود و تأسیس آن با انجام همه تشریفات، با اضافه نماز در کلیسا و فستیوالهایی که زنان نیز در آن شرکت داشتند صورت می گرفت، هنگام تقدیس و تأسیس بعضی از لژها، رؤسای فراماسونری انگلستان به آلمانها و انگلیسهای مقیم این کشور توصیه می کردند که با کمک سایر برادران فراماسون کشورهای مجاور از جمله سازمان ماسونی هلند تشکیلات ماسونی خود را گسترش دهند.

سازمان ماسونی هلند «لژ بزرگ شرق» که Concord No 134 نام داشت و همچنین لژ انگلیسی زبان هلند، در زوتردام که به نام کینگ دراکون گارد Gings Dragoon Guard خوانده می شد نیز در تأسیس این لژها نقش فراوان داشتند. نخستین اقدام این سازمان فراماسونری تقدیس و تأسیس یک لژ انگلیسی آن در آلمان بود. در ماه مارس ۱۹۵۵ فراماسون معروف آلمان «ج. و. بن. گروز» Grov که مقام P.P. G. GH را در سازمان ماسونی جهان داشت موافقت خود را با مسافرت به انگلستان و مذاکره با «اتحادیه لژهای بزرگ انگلستان» اعلام داشت. او قبلاً به انگلیسها رفته داده بود که پس از استقرار اولین حکومت ملت آلمان برای تشکیل و تأسیس لژهای تابع انگلستان در آلمان اقدام خواهد

به طوری که کلنل کورفیلد Corfield استاد فراماسونری انگلند می نویسد: بعد از این مسافرت در صورت جلسه اتحادیه گراند لژهای انگلستان مورخ هتم شامبر ۱۹۵۶ قید شد که فراماسونهای آلمان از طرف گراند لژ انگلستان به رسمیت شناخته نمی شوند. و اعضای لژهای ما نبایستی از لژهای آلمان دیدن کنند. اما در اکتبر سال بعد، اتحادیه ماسونری انگلستان اعلام کرد که ممکن است در آینده نزدیکی فراماسونری آلمان برسمیت شناخته شود.^۱

در این ایام بموجب مندرجات مجله فراماسونری «رکورد» ارگان سازمانهای فراماسونری انگلستان، مکاتباتی بین لژهای هلند و آلمان و انگلستان برای استقرار لژهای انگلیسی و انجام همه تشریفات حتی قرائت سرودهای تورات و قبول مراسم بودیان، جریان داشت، ولی در پاسخ همه پیشنهادات، اتحادیه فراماسونری انگلستان به پیشنهاد دهندگان هلندی و آلمانی توصیه می کردند که در برقراری لژها عجله نکنند.

در دسامبر ۱۹۵۶ اتحادیه لژ بزرگ انگلستان، فراماسواری آلمان را تحت شرایط تحمیلی و قبول عبودیت و برتری و سروری لژهای انگلیسی به رسمیت شناخت. در سال ۱۹۵۷ حادثه تازهای رخ داد ولی به موجب ادعای «کورفیلد» استاد اعظم انگلیسی: (بدون شك فعالیت‌های بزرگی پس پرده تعقیب می‌شد. « در ژانویه همین سال (۱۹۵۷) استاد اعظم لژ موشن گلاذ باخ Monchen Glad Bach به استاد اعظم ماسونی انگلیسی «لاولر» Lawlor گزارش داد که او به نمایندگی گرانر لژ آلمان A. F. A. M موافقت خود را با تأسیس يك لژ انگلیسی زبان با انجام همه تشریفات قبول کرده است. کورفیلد استاد لژ انگلیسی می‌نویسد: « در آن موقع برادر ما «لاولر» بسمت مدیرانچمن برادری فراماسونی آلمان که مدتی در آن عضویت داشت، انتخاب گردید. و در همین موقع بود که اسامی مؤسسين لژ تازه اعلام شد. ^۱

و بدین ترتیب فراماسونری بعد از جنگ دوم آلمان با قبول عبودیت و سروری لژهای انگلیسی و انتخاب يك استاد اعظم انگلیسی بریاست سازمان‌های خود، در سازمانهای فراماسونی جهانی رسمیت یافت.

نخستین لژ انگلیسی بنام ابلوم شماره ۸۴۱ Absalom (G.C) درخواستی تقدیم اتحادیه لژهای انگلیسی کرد و خود را برای همیشه تحت فرمان و اطاعت و در اختیار لژهای انگلیسی گذاشت. ^۲ منظور تأسیس این لژ در روز سی‌ام ماه مارس ۱۹۵۵ برای استقرار در شهر دوسلدرف صادر شد. چون این لژ بر پایه و حتی با نام لژ انگلیسی ۸۴۱ تأسیس شده بود، شماره ردیف آن را در سالنامه ماسونی انگلستان در ردیف يك ثبت کردند و بدینسان نخستین لژ انگلیسی که ریاست آن با «لاولر»

۱ - لژ ابلوم شماره ۸۴۱ تابع قوانین فراماسونری انگلستان در سال ۱۷۳۸ در شهر هامبورگ تأسیس شده بود.

۲ - کنل کورفیلد این جمله را چنین می‌نویسد:

استاد اعظم تبعه انگلستان بود ، در آلمان گشایش یافت .

بدنبال گشایش نخستین لژ انگلیسی در آلمان ، لژهای دیگری بر اساس بر نامه لژهای فراماسونی قبل از آغاز زمامداری هیتلر ، بدین شرح بوجود آمد :

۱ - لژ ساکسون بشماره ۸۴۲ در شهر سل Celle - ۸ می ۱۹۵۷

۲ - لژ بریتانیا شماره ۸۴۷ در بیل فلد Bielefeld در ۶ جون ۱۹۵۷

۳ - لژ فونیکس Phoenix بشماره ۸۴۷ در برلین ۹ نوامبر ۱۹۵۷

۴ - لژ استاراف ساکسونری Star of Saxony شماره ۸۵۳ در شهر جور

Jever در سال ۱۹۵۸

۵ - لژ انگلوهانستیک Anglo - Hanseatic بشماره ۸۵۰ در سال ۱۹۵۸

با وجود اینکه لژهای آلمانی با تشکیل لژهای انگلیسی زبان موافقت کرده بودند ، با اینحال دشمنی دیرینه بین انگلیس و آلمان و جنگ چندین ساله دو کشور ، و از همه مهمتر نفرت و دشمنی و کینه توزی دولت و مردم (ژرمن و انگلوساکسون) با یکدیگر سبب شد تا بتدریج مبارزه مخفی بین جناحین مختلف فراماسونری در آلمان شدت یابد . اما سازمان های فراماسونری انگلیسی که هجوم همه جانبه ای را به سرزمین های اشغالی آلمان آغاز کرده بودند ، سرعت توانستند اداره لژها را منحصر به اتباع انگلیسی کنند .

ولی مبارزه فراماسونهای آلمان سرانجام اتحادیه گراند لژهای انگلستان را وادار به قبول تشکیل « اتحادیه گراند لژ آلمان » کرد . بموجب سندی که سر هنگ دوم کورفیلد ارائه می دهد ، پس از این شناسائی کامل و همه جانبه ، سازمان های فراماسونی انگلستان در اوایل سال ۱۹۵۸ موافقت خود را با ایجاد اتحادیه گراند لژهای آلمانی که عبودیت و برتری و سروری آنان را پذیرفته بودند ، اعلام کرد .

منشوری که روز ۱۴ سپتامبر ۱۹۵۸ از طرف فراماسونهای آلمانی صادر شد

تأسیس «اتحادیه گرانند لژهای آلمانی» را به همه سازمان‌های ماسونی وابسته به انگلیس اطلاع داد.

در جلسه‌ای که طی آن منشور مذکور اعلام شد، ۲۶۴ استاد اعظم لژهای آلمانی A.F.A.M. و هشتاد و دو استاد اعظم لژهای سوئدی و هم‌چنین گروهی از شخصیت‌های گرانند لژهای انگلیسی مقیم آلمان حضور داشتند.

این عده پس از اعلام رسمیت اتحادیه گرانند لژهای آلمان، با انتخاب نشودور - ووگل Theodor Vogel بسمت اولین استاد اعظم اتحادیه مذکور موافقت کردند، و بدین ترتیب همه فراماسون‌های آلمانی تابعیت قانون اساسی فراماسونری انگلستان را پذیرفتند، تا بتوانند تحت عنوان «اتحادیه گرانند لژهای آلمان» برای توسعه تشکیلات خود استقلال داخلی داشته باشند.

سرهنگ دوم کورفیلد در پایان گزارش خود، درباره «فراماسونری انگلیس در آلمان» می‌نویسد: درخاتمه این گزارش می‌بایستی جمله‌ای از برادر پرنس رویال فریدریک ویلهلم، استاد اعظم و سرور بزرگ گرانند لژ پروس را یادآوری کنیم. گرانند لژ متحده آلمان، بلافاصله با گرانند لژهای زیر تماس دائم برقرار کرد و موفق شد اتحاد و همبستگی با آنها پیدا کند:

۱- گرانند لژ بزرگ مشرق هلند

۲- گرانند لژ لوکزامبورگ

۳- گرانند لژ بنایان قدیمی (آزاد و پذیرفته شده از اتریش)

۴- گرانند لژ الپینا سویس

۵- گرانند لژ بلژیک

۶- گرانند لژ ایتالیا

هم‌اکنون سازمان‌های فراماسونری «اتحادیه گرانند لژهای آلمان» - بموجب

مدرجات سالنامه سال ۱۹۶۶ بدین شرح می‌باشد:

- ۱- سازمان اتحادیه گرانده لژهای آلمان برای فراماسونهای آلمانی
- ۲- تشکیلات استادان اعظم
- ۳- تشکیلات ماسونی سناتورها
- ۴- سازمان‌های اداری
- ۵- گرانده لژ آلمان
- ۶- سازمان تشکیل جلسات برای اخذ تعلیمات عالیه
- ۷- گرانده لژهای محلی
- ۸- گرانده لژ مملکتی
- ۹- عالیترین تشکیلات گرانده لژ محلی
- ۱۰- تشکیلات فراماسونری حومه‌ها
- ۱۱- تشکیلات بزرگ محلی
- ۱۲- گرانده لژ ملی مادر

Grosse National Mutter loge zu Den Drei Weltkugeln.

- ۱۳- سازمان اداره لژها و فراماسونهای اتحادیه گرانده لژهای آلمان
 - ۱۴- لژهای آلمانی خارج از اروپا که به زبان آلمانی کار می‌کنند .
- اتحادیه گرانده لژهای آلمانی در خاورمیانه در اسرائیل و ترکیه لژهایی دارند که با زبان آلمانی کار می‌کنند . در اسرائیل در شهرهای حیفا - اورشلیم - تل اویو - مخار ایباح و در ترکیه سه لژ آلمانی است که در شهر استانبول کار می‌کنند . در خاتمه معرفی سازمان‌های فراماسونی در آلمان بی‌مناسبت نیست که یکبار دیگر گزارشی را که گرانده ماستر لژ نظامیان انگلیس در ایران (روشنائی در ایران) برای سرگرد بتیستای امریکائی (مأمور جمع‌آوری اطلاعات در ایران ۱۹۶۴) و سایر افسران نظامی لژ نظامیان امریکا در ایران (ایران چاپتر ۴۶۱) در کلوب افسران امریکائی خوانده است ، نقل کنیم . در این گزارش ، آنچه که سرهنگ

دوم «کورفیلد» انگلیسی در مجله ارکان فراماسونری انگلند نوشته ، مورد تأیید قرار گرفته و چنین گفته شده است :

«پس از جنگ اخیر دو گراند لژ جداگانه در آلمان به وجود آمد که هیچکدام از آنها از طرف گراند لژهای اسکاتلند ، یا گراند لژ ناسیونال فرانسه به رسمیت شناخته نمی شدند و دلیل آن هم این بود که این دو گراند لژ آلمانی حتی در میان خودشان توافق نداشتند . اما پس از مذاکرات زیادی که بین خود آنها از یک طرف و بین آنها و گراند لژهای اسکاتلند ، انگلیس و فرانسه از طرف دیگر صورت گرفت ، این دو گراند لژ اختلافات خود را حل کردند و با یکدیگر متحد شدند و بدین ترتیب گراند لژهای متحده آلمان بوجود آمد . اکنون گراند لژهای متحد آلمان ، از طرف گراند لژهای اسکاتلند و انگلیس و فرانسه برسمیت شناخته می شوند و با آنها روابط مودت آمیز دارند» و بدین ترتیب می بینیم که افسران نظامی معالک غرب چگونه در لژهای فراماسونیزم جهان نفوذ دارند و اگر اشتباه نکرده باشیم باید بگوئیم که سلول های ماسونیزم جهانی با فعالیت های نظامیان (جهان غرب) بی ارتباط نیستند و بنابراین جا دارد که مردم وطنخواه از این شبکه های مخفی و اعمال و کردار و پنهانکاری آنان وحشت داشته باشند . !!

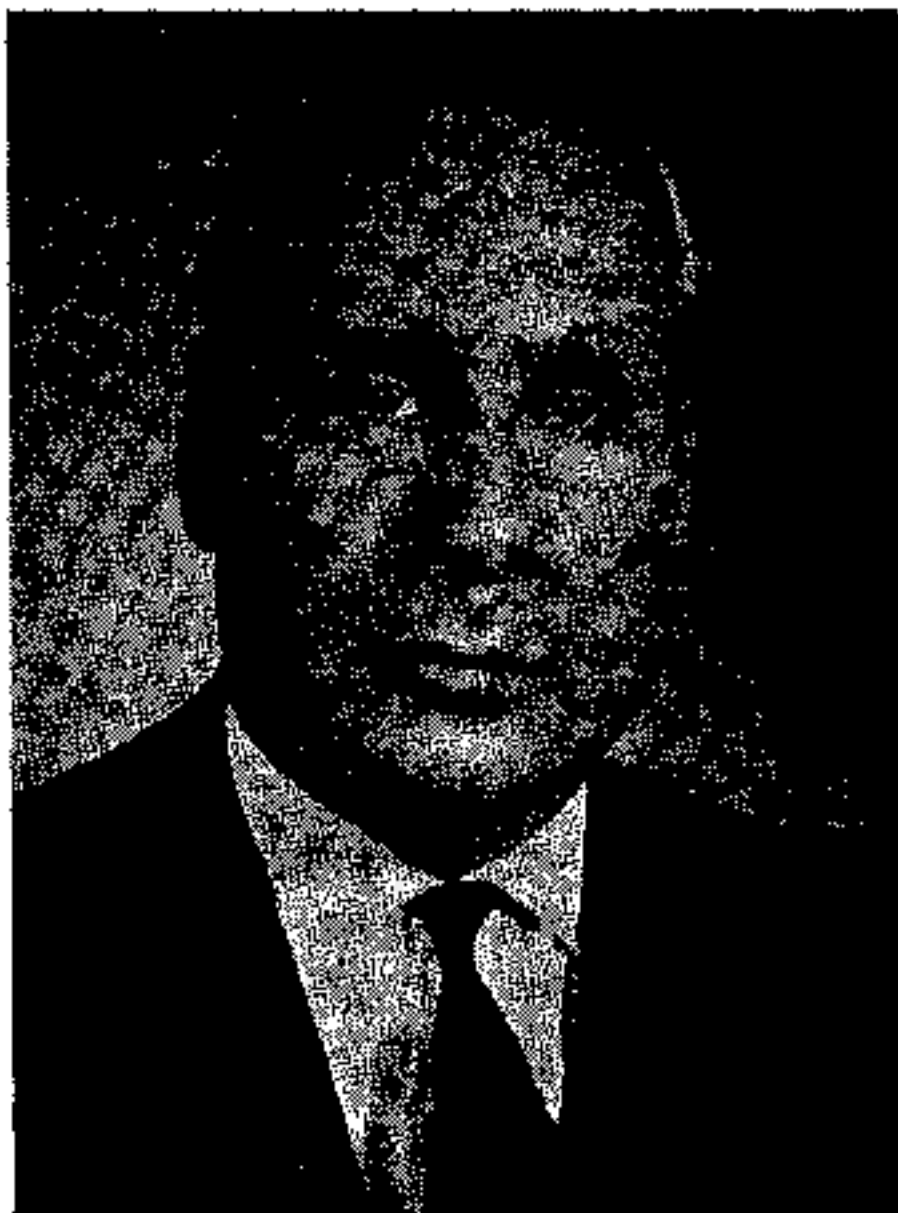
تشکیل لژهای آلمانی در ایران

انجمن فراماسون ایرانی که ب فکر تأسیس و ایجاد لژهای تابع گراند لژهای آلمانی در ایران افتاد ، دکتر تقی اسکندانی بود . وی که تحصیلات عالی خود را در دوران زمامداری نازی ها در آلمان هیتلری پایان رسانیده بود ، از آن گروه میهن پرستانی است که «وطنپرست افراطی» نامیده می شوند . اسکندانی بیست و هفت سال قبل وارد خدمات دولتی شد و دوپست مهم دولتی او ، مدیریت عامل شرکت نساجی ایران و مدیریت شرکت برق تهران بود ، که در هر دو مقام با اداره مقتدرانه امور لیاقت و کاردانی خود را نشان داد . دکتر مهندس تقی اسکندانی که در آلمان

وارد لژ فراماسوئری شده بود ، در ایران باراهنمائی یکی از دوستان خود به لژ همایون پیوست .

دکتر اسکندانی از فعالیت در این لژ نه تنها خاطره خوبی ندارد ، بلکه اجمول تشکیلات آنرا غیر صحیح می داند . خود او می گوید: وقتی از آلمان بایران آمدم با مرحوم حکیمی و آقای تقی زاده تماس گرفتم . با آنها گفتم فراماسون هشتم و می خواهم لژ فراماسونی در ایران تشکیل بدهم . آنها گفتند فعلا که زمینه ترویج این فکر در ایران آماده نیست . بعلاوه عده ای دور هم جمع شده اند و لژی تشکیل داده اند که از چگونگی کار و نحوه فعالیت آنها بی اطلاعیم . باراهنمائی این آقایان یا یکی از مقامات مؤثر لژ مذکور تماس گرفتم . در اولین ملاقات با علائم و نشانیهایی که محمدخلیل جواهری داد ، فهمیدم که او نیز ماسون است ، و وارد تشکیلات لژ همایون شدم . در روزهای اول ، هنگام ورود به لژ ، جواهری به من گفت چون تو در آلمان بوده و عضویت لژهای دیگر را داشته ای ، باید فلان مبلغ را به اضافه هزینه تلگرافی که برای تحقیق درباره شما مخا بره کرده ایم ، بپردازید . علاوه بر این هنگام گردآیدن کیسه خیریه ، هر چه می توانستند از اعضاء پول می گرفتند . در حالیکه سنت فراماسونیزم ، اینست که ماسون ها هر قدر می توانند ، کمک می کنند ، نه اینکه مجبورشان کنند که هر چه در جیب دارند بپردازند و وقتی وضع داخلی لژ همایون را چنین دیدم ، مشاهداتم را برای آقایان حکیمی و تقی زاده نقل کردم . آنها خندیدند و گفتند ما هم از این تشکیلات خبرهائی داریم ، ولی خود هیچگونه تمایل و علاقه ای بکار آنها نداریم . اما با آنان نیز مخالفت و مبارزه ای نمی کنیم .

چند ماهی در لژ کار می کردم ، تا اینکه برای انجام مأموریتی مجبور به مسافرت رضائیه شدم . طبق رسوم قدیمی و دیرینه ماسون ها ، موضوع و مقصد مسافرت را به اطلاع جواهری استاد اعظم لژ رسانیدم . ولی ایشان به من گفتند ، فعلا دو هفته ای مسافرتان را به عقب بیا نوازید . پرسیدم چرا و به چه دلیل؟ او در جواب گفت « بزودی یکی از مأمورین اینتلیجنس سرویس به تهران می آید و می خواهد تو



«دکتر محمد تقی اسگندانی دبیر بزرگشاه ایران»

را ملاقات کند. از شنیدن این جمله نشست بر آشفتیم، لذا با اینکه در آن اطاق عده‌ای نشسته بودند و جو اهزی آهسته و درگوشی این مطلب را عنوان کرده بود، با صدای بلند گفتیم: «من چه ارتباطی با این تبلیغتنس سرویس دارم؟ چرا باید با این تبلیغتنس سرویس هر تباط باشیم؟ من سال‌ها در تشکیلات فراماسونی آلمانی فعالیت می‌کردم، در آنجا جز خدمت بمردم و کمک به توسعه آزادی و برادری و سایر امور بخیر به کار دیگری نمی‌کردیم ولی حالا می‌بینم شما، مطالبی عنوان می‌کنید که به هیچ وجه ارتباطی با ما سرو نیزم ندارد.

این جماعات اعتراض آمیز من ، سبب دخالت چند نفر دیگری که حضور داشتند ، شد و آنها هم در بحث مشارکت کردند . ویکی دو نفر که از ذکر نامشان معنورم ، گفتند : عصبانیت شما بیهوده است ، ما هم چنین ملاقات‌هایی کرده‌ایم ... به آنان جواب دادم ، شما هم کار غلط و نادرستی کرده‌اید ، من حاضر نیستم در چنین اجتماعی شرکت کنم !

بعد از مراجعت از سفر ، يك شب در اجتماع باشگاه حافظ ، درباره فراماسونی درسویس و نحوه کار و فعالیت آنها سخنرانی مفصلی ایراد کردم که با اعتراض جواهری مواجه شد . او گفت مانمی خواهیم فراماسونی سوئیس را سرمشق کار خودمان قرار بدهیم . ما با فراماسونی انگلیس بستگی داریم و عبودیت و سروری آنها را پذیرفته‌ایم . این گفتگوها و مشاجرات ، سبب شد که برای همیشه از لژ همایون کناره‌گیری کنم . بعدها شنیدم که دکتر غلامرضا کیان نیز اولین ناطقی بوده ، که علیه بعضی از عملیات انجام شده در لژ همایون سخنانی ایراد کرده است . پس از اینکه از لژ همایون کناره‌گیری کردم ، بار دیگر با آقای تقی زاده تماس گرفتم . و از آن روز تا کنون مرید ایشان هستم .

در فصول پیش چگونگی انحلال لژ همایون و تشکیل لژ های وابسته به اسکاتلند و فرانسه را به تفصیل بیان کردیم . در برچیده شدن لژ همایون ، مرحوم حسین علاه نقش مؤثر و درجه اول را داشته است و او را باید در این اقدام پیشقدم بدانیم . مرحوم علاه در این باره به نویسنده گفت : ابتدا تصور می‌کردم لژ همایون برای پیشرفت مرام و مقصد ماسونیزم بوجود آمده است . به همین جهت هرگاه محمد خلیل جواهری استاد اعظم لژ مذکور ، مراجعه‌ای می‌کرد ، بدون مضایقه او را کمک و یاری می‌کردم . زیرا او را بدون تردید فراماسون وابسته به یکی از لژهای معتبر می‌شناختم . ولی متأسفانه باید بگویم که او وعده زیادی از یارانش که اکنون در لژهای انگلیسی و فرانسوی فعالیت دارند و حتی مقامات عالی‌رتبه را عهده‌دار

تشکیل لژ های آلمانی

شده‌اند، راه‌های غلطی در پیش گرفته بودند. آنان نه تنها در اجرای هدف‌های ماسونیزم نمی‌کوشیدند، بلکه اعمال و افعالی انجام می‌دادند، که حتی تکرار آنها برای من و هن‌آورا است. ارتباط‌هایی که در این لژ با فراماسونهای خارجی برقرار شده بود، برای من که همیشه به‌این مملکت عشق می‌ورزم و بارها نشان داده‌ام که در راه سر بلندی واقعی میهنم در صفا اول پیکار بوده‌ام، ناراحت کننده بود. بعد از آنکه همه موجبات انحلال لژ همایون آماده شد، من در از هم‌پاشیدن سازمان مذکور پیشقدم شدم و خوشبختانه در این کار توفیق حاصل کردم.

بامتلاشی شدن لژ مذکور و تقدیس و تأسیس لژهای دیگر، مکرر از طرف شخصیت‌های فراماسونی ایران، بمن مراجعه شد که در یکی از سازمان‌های آنها شرکت جویم. ولی بعللی که باسلیقه و نظر شخصی‌ام ارتباط دارد، حاضر نشدم با آنها همکاری کنم. تا اینکه از طرف چند نفر از شخصیت‌های قابل اعتماد فراماسون، پیشنهاد تأسیس لژی که با دوسازمان ماسونیزم انگلیس و فرانسه بستگی نداشته باشد، عنوان شد. بعد از اینکه شش نفر از استادان ماسونیزم ایران، باهم برای تأسیس لژهای آلمان در ایران توافق کردند، با آنها هم عهد شده و فعالیت‌ها را که متأسفانه نمی‌توانم جزئیات آنرا افشاء کنم و یا نام برادرانم را بگویم، آغاز کردیم.

مرحوم علاء پس از اینکه با وساطت یکی از وزرای کابینه‌اش این مطالب را برای نگارنده شرح داد، قول گرفت که عین جملات ایشان را منعکس کنیم و بنویسم و پس از اینکه یادداشت‌های تنظیم شده را مجدداً خواندند و تصویب کردند آنها را نقل کنیم. دو روز بعد از این ملاقات، آنچه را که گفته بودند، روزی کاغذ سفیدی نوشته به همان وزیر کابینه‌اش دادم تا بنظر وی برساند. مرحوم علاء بعد از خواندن جملاتی که گفته بودند، در روی چند کلمه با ممداد قرمز خط کشیدند ولی حاضر نشدند ذیل ورقه اظهارات را امضاء کنند. ایشان به همان وزیر کابینه گفته بودند «گفته‌شده‌ام از امضای من معتبرتر است»

با این مقدمات، نخستین لژ فراماسونی بنام «مهر» بنا به تقاضای
تشکیل سه لژ دیگر هفت استاد فراماسونی تشکیل شد. هفت استاد تقاضاکننده
 عبارت بودند از:

حسین علاء - سید حسن تقی زاده - مختار الملک صبا - عبدالله انتظام - دکتر
 قلی اسکندانی - ابوالحسن حکیمی اتباع ایران و «فوگل» تبعه آلمان.

این هفت استاد ماسونی ابتدا از لژ «الپینا»ی سویس تقاضا کردند تا اجازه
 تشکیل لژی بنام «مهر» تابع قانون اساسی این گران لژ مستقل و آزاد سویسی را
 بآنها بدهند. ولی لژ «الپینا» سویس بآنها اطلاع داد که نمی تواند با این تقاضا موافقت
 کند، زیرا گران لژ مذکور منحصراً در سویس فعالیت داشته و با هیچیک از سازمان
 های فراماسونی جهانی بستگی ندارد.

در نتیجه هفت استاد مذکور از سازمان فراماسونی آلمان که «لژهای متحده
 آلمان» نامیده می شد، تقاضای تشکیل لژی را که وابسته به آنها باشد نمودند.
 سازمان ماسونی مذکور بلافاصله با این تقاضا موافقت کرد و اولین قدم این هفت نفر
 تشکیل یک سازمان نیمه مخفی بنام «کلوب ماسونیک» بود. بطوریکه قبلاً گفته
 شد، فراماسونها قبل از اعلام رسمیت و یابعد از آغاز بکار و فعالیت، سازمان های
 نیمه مخفی تشکیل می دهند و در زیر نام «کلوب»، «انجمن» و «جمعیت» بکار می پردازند
 این هفت استاد نیز که می خواستند بدون اتکاء و یا قبول تابعیت لژهای انگلیسی و
 فرانسوی تشکیل جلسه دهند ابتدا سازمانی بنام «کلوب ماسونیک» تشکیل دادند
 و چند نفری را نیز که می خواستند بلافاصله بمعزویت بپذیرند بعنوان اعضای اولیه
 وارد مجمع خود کردند. سازمان فراماسونی آلمان با اعلام قبولی تشکیل لژ مهر
 در ایران منشور تأسیس لژ را صادر کرد و به اصطلاح ماسون ها «نور» از آلمان
 بایران آورده شد و روز هفدهم بهمن ۱۳۳۸. لژ مهر در ایران تشکیل گردید.

همینکه چندگاهی از آغاز فعالیت لژ مهر گذشت، وعده اعضای این لژ بحد
 صاحب رسید، مرحوم حسین علاء بنام «اولین استاد اعظم» این لژ انتخاب شد و

تشریفات انتصاب او با برگزاری همه آئین‌ها و مقررات لژهای آلمانی صورت گرفت. دبیر این لژ ابتدا دکتر تقی اسکندانی بود، و بعد از تشکیل گرامر لژ مستقل ایران، وی بسمت «دبیر بزرگ» گرامر لژ مذکور انتخاب گردید که تا امروز نیز همین سمت را دارد.

استقبالی که يك طبقه خاص، یعنی روشنفکران ایرانی از سازمان جدید-التأسیس مذکور نمودند، باعث شد، فکر تشکیل لژ دیگری که در آن ایرانیان «آلمانی زبان» و «آلمانی‌های مقیم تهران» عضویت داشته باشند. بوجود آید. این لژ که «آفتاب» نامیده می‌شود، در آن ایرانیان و آلمانی‌ها فعالیت داشتند و استادی آن با «فوکل» آلمانی بود. پس از تشکیل این دو لژ و ثبت نام و مشخصات آن در دفاتر فراماسونی جهانی، لژهای انگلیسی و فرانسوی که در ایران فعالیت می‌کردند، آنها را به رسمیت شناختند و درهای محافظ خود را بر روی اعضای آن گشودند. زیرا بطوریکه قبلاً گفته شد، لژهای متحده آلمان هم پس از قبول «عبودیت و سروری و برتری» لژهای انگلیسی در سازمان‌های ماسونی جهان به رسمیت شناخته شده بودند و آمیزش و ارتباط با آنها را قانونی اعلام کردند. بنابراین لژهای انگلیسی و فرانسوی در ایران نیز این لژها را به صورت لژ با قاعده شناختند و حتی در تشکیل «لژ تهران» که در روز پانزدهم اردیبهشت ۱۳۴۷ در کلیسای انجیلی تهران واقع در خیابان قوام السلطنه تقدیس و تأسیس شد، شرکت داشتند. علاوه بر آن در یکی از جلسات این لژ دکتر تقی اسکندانی سخنرانی بسیار جالبی تحت عنوان «آئین باستانی و بزرگ بنایان آزاد در جهان و کشور ما» ایراد کرد.

فراماسونی آلمان که از پیشرفت سریع دولتمهر و آفتاب راضی شده بود، به هیئت رهبری این دو لژ اجازه داد تا لژ دیگری نیز تأسیس کنند. این لژ که «ستاره سحر» نامیده شد و در ردیف لژهای متحد آلمان در جهان در ردیف ۸۶۷ ثبت شده است، بزودی دارای چهل عضو شد و استادی آن به مهندس شریف امامی

واگذار گردید، مهندس شریف امامی که در مدت سه ماه عضویت در لژ آفتاب، از عضویت ساده به درجه استادی و حتی استاد ارجمند ترقی کرده بود، بزودی در رأس لژ «ستاره سحر» قرار گرفت.

پس از تشکیل این سه لژ، سازمان فراماسونی آلمان موافقت خود را با تأسیس گراند لژی از سه لژ (مهر - آفتاب - ستاره سحر) اعلام کرد. تشکیل فوری «گراند لژ ایران» بتدریج به اهمیت این سازمان فراماسونی افزود، بخصوص که کارگردانان و هیئت رهبری آن، سعی داشتند، بیشتر آداب و رسوم و ریتول‌های داخلی محافل را تغییر داده به آن شکل ایرانی بدهند. مثلاً در لژهای انگلیسی فرانسوی، امریکائی، مجسمه‌هایی از موسی - مسیح - سقراط - بقراط - آبراهام لینکلن و غیره می‌گذارند و آنها را ستایش می‌کنند. ولی در لژهای فراماسونی گراند لژ فوق‌الذکر، تمثال حضرت علی علیه‌السلام را نصب می‌کنند و ابیات مثنوی مولوی را می‌خوانند. این تغییرات که مرحوم حسین علاء در بوجود آوردن آن مؤثر بود، بتدریج سبب مخالفت لژهای انگلیسی و فرانسوی و سنت پرستان با این لژها شد. لژهای انگلیسی سعی داشتند با ورود در جلسات لژهای (مهر - آفتاب - ستاره سحر)، افکار و نظرات و ریتول‌ها و تشریفات ماسونی خود را در این محافل رواج دهند. اما آنان حاضر به نزدیکی و همکاری نمی‌شدند، تا جائیکه استاد اعظم لژ روشنائی ناچار از شکوه و شکایت بخاطر بی‌اعتنائی هیئت رهبری و استادان اعظم لژهای آلمانی شد. او در یک گزارش رسمی چنین می‌نویسد: «... رفتن ما به لژهای آلمانی از لحاظ رسمی مانعی ندارد، ولی به نظر من رفتن ما به آنجا مطلوب نیست، زیرا که تا کنون خود آنها تمایلی باین امر نشان نداده‌اند و به کمیته مرکزی پیوسته‌اند»^۱ استاد اعظم لژ سپس اظهار امیدواری می‌کند: «... امیدوارم که بزودی موافقت خود را برای پیوستن به کمیته مرکزی، با جمعیت کامل فراماسوئری اعلام دارند»^۲.

۱ - گزارش ۱۹ اپریل ۱۹۶۲ - لژ روشنائی به لژ افسران امریکائی .

۲ - ایضاً همین گزارش .

پنج سال بعد از اینکه، لژهای آلمانی فعالیت خود را
اعلام استقلال آغاز کردند و گرانند لژی تشکیل دادند، در یکی از جلسات
 و خود مختاری عمومی «لژهای متحد آلمان» که دکتر تقی اسکندانی،
 شرکت کرده بود، موضوع «استقلال و خودمختاری» گرانند
 لژ مستقل ایران مطرح شد. اسکندانی، دبیر بزرگ گرانند لژ مستقل ایران از
 «نودور و وگل» خواست تا موافقت هیئت مدیره و استادان لژهای متحده آلمان
 را با اعلام استقلال کسب کند. او ضمن توضیحات حضوری علاقه هیئت رهبری گرانند
 لژ ایران را به عدم همبستگی لژهای سه گانه (مهر - آفتاب - ستاره سحر) ابراز
 کرد و از او خواست تا اجازه داده شود که این گرانند لژ بطور خود مختار و مستقل
 عمل کند، همچنانکه بعضی از گرانند لژهای دیگر در کشورهای مختلف عمل
 می کنند. سرانجام درسامبر ۱۹۶۰ لژهای متحده آلمان، استقلال سه لژ فوق الذکر
 و گرانند لژ مستقل ایرانی را اعلام کردند و درمجله Die Bruder Schaft موافقت
 این لژها با استقلال و خود مختاری آنان اعلام شد.

یکسال بعد از این که لژ مذکور مستقلا فعالیت کرد، در بلژیک «کنوان»
 لژهای متفق و متحد «لژهای متحده آلمان» تشکیل شد و طبق دعوت هیئت مدیره
 کنوان چند نفر نمایندگی گرانند لژ ایران در این جلسه شرکت کردند. در اولین جلسه
 نامه ای را که به امضای سه نفر از اعضای کرسی لژ ستاره سحر رسیده بود،
 نمایندگان ایران نشان دادند. در این نامه سناتور مهندس شریف امامی - سناتور
 اشرف احمدی - سناتور امیر حکمت به استاد اعظم لژهای متحده آلمان اطلاع
 داده بودند که با موافقت سی و هفت نفر از اعضای لژ ستاره سحر، آمادگی خود را
 برای الحاق و همبستگی مجدد به «لژهای متحده آلمان» و خروج از گرانند لژ ایران،
 اعلام می داریم. این چهل نفر در نامه خود به استاد اعظم لژهای متحده آلمانی نوشته
 بودند که کماکان مشتاق همبستگی و الحاق به ماسونی جهانی هستند و نمی خواهند
 در گرانند لژ مستقل ایران باقی بمانند. در حالیکه همان وقت دو لژ دیگر یعنی

(مهر- آفتاب) که «ووکل» و حسین علاء استاد اعظم آنها بودند ، همچنان در گرانند لز مستقل باقی بودند . استاد اعظم لژهای متحده آلمان نمایندگان ایران می گوید: «چنانچه موافقت کنید ، امضاء کنندگان را از این لژ اخراج کنیم ، زیرا عمل آنها با انضباط و سنت ماسونی مغایرت دارد» نمایندگان ایران پاسخ می دهند که فعلا ، هیچگونه تصمیمی اتخاذ نشود تا در تهران با «استاد اعظم» مذاکره بعمل آید و تصور نمی رود وی هم با این اقدام موافق باشد .

پس از مراجعت نمایندگان اعزامی به «کنوان» بلژیک ، اخراج از سازمان گزارش کاملی درباره تقاضای چهل نفر فراماسون عضو «ستاره جهانی ماسونیزم سحر» از طرف آنان به حسین علاء استاد اعظم سه لژ (مهر آفتاب - ستاره سحر) تسلیم شد . مرحوم علاء از هیئت رهبری گرانند لز تقاضا کرد تا در باره این تقاضای : (شریف امامی - امیر حکمت - اشرف احمدی) و سی و هفت عضو دیگر لژ ستاره سحر نظر قطعی بدهند . هیئت رهبری گرانند لز مستقل ایران نیز ، پس از چند جلسه مذاکره سر انجام با جدائی همه امضاء لژ ستاره سحر موافقت کرد .

در همین ایام «استراکر» بنیان گذار لژهای فراماسونی انگلیسی ، برای تأسیس «تقدیس یک لژ انگلیسی بتهران آمد . او طی چند جلسه مذاکره با هیئت رهبری گرانند لز مستقل ایران ، با آنان پیشنهاد الحاق یکی از گرانند لژهای وابسته به انگلستان را کرد ، ولی هیئت رهبری با این تقاضای مؤسس لژهای انگلیسی در ایران موافقت نکرد . در نتیجه وی به گرانند لژهای فرانسوی و انگلیسی در تهران دستور داد تا ارتباط همه جانبه خود را با اعضای لژهای (مهر- آفتاب) قطع کنند . بعد از مراجعت استراکر به انگلستان ، سازمان فراماسونری آلمان نیز بدستور گرانند لژهای فراماسونری انگلستان ، همه ارتباطات خود را با این دو لژ قطع کرده و به حسین علاء اطلاع داده شد که از این پس در سازمان های فراماسونی جهانی لژهای آنها (غیر قانونی) شناخته می شود .

هیئت رهبری این «لژ» بلافاصله دولتر دیگر بنام‌های «وفا» و «صفا» تشکیل دادند و باقیمانده آثار «عبودیت» لژهای جهانی را هم از خود دور کردند. اینان که جلسات خود را در محل انجمن اخوت تشکیل می‌دهند، نام محل تشکیل جلسات خود را «معبد» و «کارگاه» گذاشته و کسانی را به عضویت می‌پذیرند که قبلاً با سازمان جهانی ماسونیزم پیوندی، نداشته باشند. و بدین ترتیب تا امروز به فعالیت خود ادامه می‌دهند.

اتشایون عضولتر «ستاره سحر» پس از اینکه از طرف اتحادیه دولتر آلمانی «لژهای آلمان» بر سمیت شناخته شدند، مستقیماً ارتباط ستاره سحر - ناهید خود را با مرکز این سازمان جهانی برقرار کردند. چهل نفر مذکور و هم‌چنین لژ تابعه آنها در ایران نیز مورد تأیید لژهای انگلیسی و فرانسوی قرار گرفت و پس از اعلام استقلال، حق آمدورفت در لژهای فعال ایران، با آنان داده شد.

اتحادیه لژهای آلمانی نام لژ «ستاره سحر» را در ردیف لژهای جهانی خود به شماره ۸۶۷ و سال تأسیس آنرا ۱۹۶۰ ثبت کرد. در سالنامه اتحادیه مذکور آدرس لژ را: تهران - خیابان تخت جمشید شماره ۱۶۴ و تلفن مأمور ارتباط و واسطه را سناتور امیر حکمت ۸۱۹۶۴ معرفی کرده است. در سالنامه سال ۱۹۶۴ سه رهبر این لژ را:

۱ - سناتور مهندس شریف امامی با تلفن‌های ۴۲۰۵۵ - ۸۱۹۹۴

۲ - ابوالحسن معدل - تجریش - خیابان ملک‌پور نمره ۸۷ تلفن ۸۵۲۳۳۸

۳ - قاسم لاجوردی - خیابان ژنرال زاهدی نمره ۶۸ تلفن ۴۰۷۶۵

در لژ «ستاره سحر» اینفنده از افراد مشهور و مؤثر در انشعاب معرفی شده‌اند:

۱ - مهندس شریف امامی - رئیس مجلس سنا

۲ - سناتور دکتر علی امیر حکمت

۳ - سناتور اشرف احمدی



این تصویر درقالار علنی مجلس سنا در لحظه ای که دکتر سعید مالک رئیس بنی مجلس سنا ، انتخاب ریاست سنارا به شریف امامی تبریک می گوید ، برداشته شده است

- ۴ - عباس آرام وزیر خارجه سابق و سفیر کبیر ایران در لندن
- ۵ - قدس نخعی وزیر دربار اسبق و سفیر کبیر ایران در واتیکان
- ۶ - دکتر سید مهدی پیراسته سفیر کبیر ایران در بلژیک
- ۷ - سناتور مطیع الدوله حجازی
- ۸ - همایون بهادری
- ۹ - ابوالحسن معدل عضو شرکت نفت
- ۱۰ - قاسم لاجوردی - بازرگان
- ۱۱ - دکتر شفیع امین وکیل مجلس شورای ملی

اسامی سایر اعضای این دولتر و منسحبین و هم‌چنین شرح اقدامات و فعالیت های آنان در جلد چهارم این کتاب به تفصیل خواهد آمد .

هیسترهبری لژ ستاره سحر ، با اجازه اتحادیه لژ های آلمانی در سال ۱۹۶۴ لژ دیگری بنام «ناهید» تشکیل دادند . مشخصات این لژ که از لژ های تابعه ستاره سحر ، معرفی شده :

تهران - قلهک خیابان امیر حکمت نمره ۳-۸۰ - دکتر علی امیر حکمت
تلفن ۸۱۱۳۱ می باشد .

اکنون که از تشکیل لژ های آلمانی ، انشعاب و استقلال و الحاق مجدد دولتر به سازمان های ماسونی جهانی آگاه شدیم ، به معرفی دو استاد اعظم مادام العمر گراند لژ مستقل ایران ، می پردازیم :

نخستین استاد اعظم
نخستین استاد اعظم گراند لژ مستقل ایران ، حسین علاء سیاستمدار مشهور ایران بود . وی که از بیست سالگی تاروژی که بدرود حیات گفت صاحب مشاغل مختلف و حساس مملکتی بود در امر یکا بسازمانهای فراماسونی پیوست . حسین علاء که بلافاصله پس از خاتمه تحصیل وارد کارهای دولتی شده بود فقط تا یکسال بعد از تاجگذاری اعلیحضرت فقید ، رضاشاه کبیر شغل و مقام دولتی نداشت . ولی از آن پس مرتباً شاغل مقامات گوناگون ، از جمله مدنها سفیر کبیر ، وزیر ، و صاحب مقام های عالی دیگر دولتی بود .

حسین علاء در تمام دوران فعالیت سیاسی و اجتماعی خود - پس از بازگشت به ایران با تقی زاده ، حکیم الملک و سایر فراماسونهای متنفذ و سرشناس مملکتی ارتباط دائم داشت و بایاری و همفکری آنان امور مملکتی را اداره می کرد .

حسین علاء قبل از اینکه در لژ مهر و گراند لژ مستقل ایران بدریافت مقام «استاد اعظم» نایل شود از لژ ایده آل جهانی صاحب عالیترین عنوان یعنی مقام فراماسونری «مادام العمر» شده بود . نامه ای که وی در روز ۲۲ اوت ۱۹۵۱ در جواب استاد اعظم این لژ نوشته عیناً نقل می شود :



آقای نخستین استاد اعظم
المستقل ایران

تهران ۲۲ اوت ۱۵۹۱

عالیجناب آقای حنا بی راشد استاد بزرگ با عنوان مادام العمر ، لژ ایدیه آل
القی قاهره .

آقای جواهری ، منشی سازمان جهانی ایدیه آل در تهران نیت محبت آمیز
تان در مورد اعطای عالیترین درجه ماسونری به اطلاع من رسانید .

ضمن سپاس از قصد الثفات آمیز شما خاطر نشان می سازم که این افتخار بزرگی
که نصیب من می سازید قبول می کنم و همکاری برادرانه خود را اعلام می دارم و
لاکرم می کردم که انتظار دارم از نقطه نظرهای عاقلانه و برادرانه ماسونری شما
شکافه می برم و سعی می کنم مستقیماً وظایف خود را انجام داده و به ایدیه آل خود

و به صلح ، آزادی ، برادری و برابری خدمت کنم. استاد بزرگ امیدوارم صمیمانه
 در این احساسات برادرانه مرا و همچنین احترامات فائقه را بپذیرید. حسین علاء
 معلومی که پرویز صدیقی منشی مخصوص مرحوم علاء اظهار می داشت جواب
 نامه فوق را که به زبان فرانسه تهیه شده ، امیر عباس هویدا که از دوستان و افراد
 در علاقه حسین علاء نخست وزیر وقت بود انشاء و نوشته است. این نامه که روز
 ۱ اوت ۱۹۵۱ در قاهره به استاد اعظم لژ ایده آل جهانی رسید، در دفتر لژ با
 شماره ۹۹۸ به ثبت رسیده است و فتوکپی آن در سفر سال ۱۳۳۷ شمسی نگارنده
 در مصر بدست آمد.

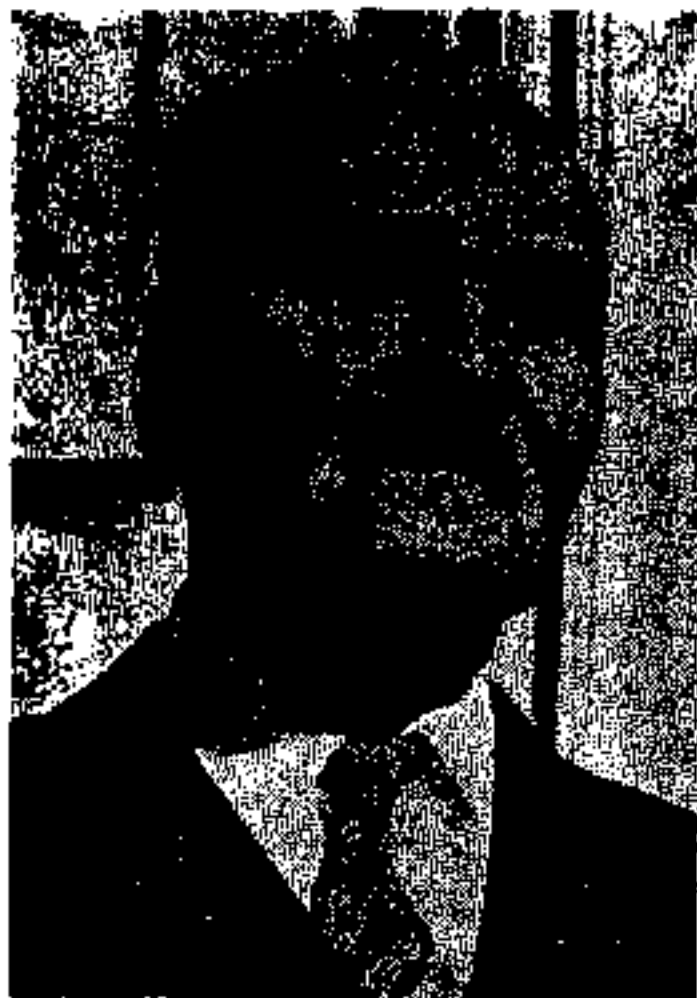
دومین استاد اعظم گران لژ مستقل ایران ، سید حسن
تقی زاده یکی از بنیان گذاران لژهای آلمانی در ایران است.
 وی که یکی از بازماندگان انقلاب مشروطیت در ایران
 شماره ۱۹۰۷ - م (۱۳۲۵ - ه) وارد لژیون ایرانی شده
 پرونده او در دوسیه شماره ۲۵ کارتن شماره ۵ بایگانی لژ به ثبت رسیده است.
 بعد از وقایع شهریور ۱۳۲۰، هرگاه در تشریفات فارسی زبان و محافل و مجالس
 سیاسی ذکری از سازمانهای فراماسونری و فراماسونهای معروف ایران می شد ،
 نام سید حسن تقی زاده در ردیف اول قرار داشت .

چنانچه در سال ۱۳۲۷ که از طرف عباس اسکندری شدیدترین حملات
 علیه فراماسونها در مجلس شورای ملی صورت می گرفت ، وی در استیضاح روز
 ۱۳ دی ماه و در جلسه ۱۳۵ مجلس شورای ملی هنگامیکه در باره (نقود استعماری
 و بنیادین کبیر بوسیله فرقه فراماسون در ایران^۱) بحث می کند ، نام عده ای از
 فراماسونهای ایرانی از جمله (حکیم الملک - تقی زاده - نجم الملک^۲)

۱ - نفت و بحرین با عباس اسکندری در خدمت مجلس پانزدهم ص ۳۵۵

۲ - در مدتی بیست سالی که مشغول تحقیق در باره فراماسونری در ایران بودم ، جز

در همین استیضاح و اطلاق عباس اسکندری هیچگاه به نام نجم الملک برخورد نکردم .



سید حسن تقی زاده فراماسون شخصیت سازه
 و دومین استاد اعظم (مادام العمر)
 جراند لژ مستقل ایران

را می برد^۱.

سید حسن تقی زاده در جواب عباس اسکندری در جلسه هفتم بهمن ۱۳۲۷

می گوید :

«حالا فقط نسبت به آنچه راجع به خودم است جواب مختصری می دهم و با حرف های دیگر ایشان که قسمت اعظم آن پاک افسانه بود و پس ، مانند داستان موهوم فراماسون و جمله به اشخاص صالح درجه اول این مملکت کسه از ابرار و اختیار مملکت هستند ، یا قصه های جن و پری دیگر کاری ندارم^۲»

۱ - رجوع شود به جلسه روز یکشنبه سوم بهمن ۱۳۲۷ مجلس شورای ملی . همچنین

فصل سی و دوم همین کتاب.

۲ - مذاکرات مجلس شورای ملی جلسه سوم بهمن ۱۳۲۷

با اینکه سید حسن تقی‌زاده در جلسه علنی مجلس شورای ملی، فراماسونری در ایران را (داستان موهوم) دانسته و بحث در باره آنرا وسیلهٔ «حمله به اشخاص صالح درجهٔ اول مملکت» می‌داند با اینحال خود ایشان در یکی از شماره‌های مجله یادگار از فراماسونری یاد کرده و تنها آنجست که مملکت را، تشکیل جمعیت فراماسون در ایران می‌داند. وی می‌نویسد:

«چهارم تشکیل جمعیتی برای ترویج حیثیت و شرف و راستگویی و اجتناب از دروغ و دسیسه و نفاق و خودداری از مبالغه و اظهارات بی اساس و بی دقتی و شتر از از مسامحه و پرهیز از غیبت و نمایی و مخصوصاً ترک مطلق تعارفات بی حیثیت رویا روی (که از بدترین مفاسد اخلاقی این ملت است) چه در کلام و عمل چه در کتابت.

اگر چنین انجمنی از مردمان صاحب‌دل و منزله به وجود بیاید و به طور ثابت مستمر گذشته از تبلیغ قولی سر مشق مشهودی به دیگران نشان بدهد قطعاً در نهاد نهضت اخلاقی بی اثر نخواهد بود و مانند تأثیر محفل بناهای آزاد در انگلستان که در «دوستان» یا «کویکرها» در نمای اخلاقی «انگلند جدید» در مشرق ممالک هند امریکا و همچنین در خود انگلیس انقلاب اخلاقی تدریجی به وجود خواهد آورد ... علامت اصلاح اخلاق راستگویی موقوف کردن تعارفات و تملقات رویا روی، تمسک شدید به نظم در وقت، حفظ وعده و حضور در سر وقت، حفظ قول، پلندی و سرفرازی، عدم تلون و تبعیت در عقاید از ارباب نفوذ و ورزش با قدرت ایجاد در کلام و اکتفا به حد لازم است و هر وقت ما اثری از این صفات در جمعی از جوانان خود دیدیم بالنسبه امیدوار می‌شویم و البته برای اینکار بهترین وسیله تشکیل جمعیت اخوانی است که مراتب حفظ صفات در هم‌دیگر باشند و با تشویق

و احترام دارندگان صفات و تحقیر و طرد متخلفین^۱»

از جمله اقدامات جالبی که فراماسونهای عضو این گرانند
 يك اقدام جالب لژ آنرا بخود منسوب می‌کنند، مصاحبه مطبوعاتی معروف
 «سید طیب حسین» سفیر کبیر پاکستان در ایران است. طیب
 حسین که به علت اقامت دو دوره مأموریت چهارساله در ایران، رنگ و خوی
 ایرانی بخود گرفته بود، از جمله دیپلماتهای پاکستانی است، که تلاش فراوانی
 برای نزدیکی دو کشور مسلمان ایران و پاکستان بکار برد. وقتی دوران مأموریت
 وی در ایران پایان می‌یافت، بدوستان ایرانیش گفته بود، که پس از بازنشستگی
 به ایران باز می‌گردد و بقیه ایام عمرش را در ایران می‌گذراند. سید طیب حسین
 که به عضویت لژ فراماسونری «وفا» درآمده بود، پس از اینکه دولت پاکستان
 در سازمان ملل متحد نسبت به عضویت نماینده بحرین در یونسکورای موافق داد،
 درصدد برآمد این اقدام زبان بخش دولت متبوع خویش را در ایران ترمیم کند.
 زیرا پس از آنکه نماینده پاکستان در یونسکو به عضویت بحرین در این سازمان
 جهانی رأی داد، اولیای دولت ایران درصدد برآمدند که اقدامات شدیدی اتخاذ
 کنند. طیب حسین که در جلسات داخلی لژ «وفا» و سایر لژهای گرانند لژ مستقل
 ایران، مورد انتقاد قرار گرفته بود، ضمن مصاحبه‌ای با خبرنگار روزنامه
 آیندگان، مجمع الجزایر بحرین را جزء لاینفک ایران دانسته و چنین گفت:
 «پاکستان بتوصیه های یکی دو دولت برای شناسایی بحرین و ایجاد رابطه
 سیاسی بازرگانی با این جزیره کوچکترین اهمیتی قائل نیست و کماکان برای رفت
 و آمدهای خود با بحرین قبلاً با دولت ایران مشورت می‌کنند زیرا پاکستان معتقد
 است که بحرین قسمتی از خاک ایران است و الحاق آن بخاک ایران از خواسته های دولت
 و ملت پاکستان است»^۲

طیب حسین سفیر کبیر پاکستان در تهران به خبرنگار آیندگان گفت «دولت

۱ - مجله یادگار شماره ۱۰ سال پنجم من ۱۳

۲ - آیندگان شماره ۱۶-۱۴ دیماه ۱۳۴۶

من فقط عنوان خلیج فارس را بر سمیت می شناسد و در کلید مکاتبات خود برای دریای جنوب ایران از این نام استفاده می کند. و اگر تاکنون در چند مورد بعضی از جرایم پاکستان به خلیج فارس نام خلیج عربی داده اند اشتباه مترجمان آن نشریه ها بوده است که همین خبر خبر گزارهای مقیم کشور های عربی



را نقل کرده بودند. و البته در این زمینه پاکستان از دولت ایران معذرت خواسته است. چندی بعد از این مصاحبه، یکی از استادان لژ مهر از اقدام طیب حسین استایش کرد و تذکرات پی در پی برادران فراموشش را در انجام این مصاحبه مؤثر دانست. دولت پاکستان نیز از آن پس، نظر سفیر کبیر خود در ایران را صحیح دانست و بعدها هم پرزیدنت ایوب خان، سیادت ایران را در خلیج فارس و حقانیت ایران را نسبت به مالکیت مجمع الجزایر بحرین صحیح و اصولی دانست.

۱ - پس از رأی تصافیه پاکستان در سازمان یونسکو، وزارت خارجه ایران، علیه این اقدام ساینده هم پیمان ایران «درستو» و «پیمان عمران منطقه ای R.C.D» اعتراض کرد. پرزیدنت ایوب خان برای اینکه از حقانیت ایران در مجمع الجزایر بحرین آگاه شود، از سفیر کبیر ایران خواست تا اسناد و مدارک و یا کتاب مستندی که دولت و وزارت خارجه ایران دارد، برای او بفرستند. وزارت امور خارجه ایران بعد از مدت ها، کتاب «بحرین» پربان انگلیسی، تألیف دکتر فریدون آدمیت، دیپلمات بیکارو خانه نشین وزارت خارجه را برای پرزیدنت ایوب خان فرستاد.

کارگردانان لژهای چهارگانه (مهر - آفتاب - صفا - وفا) بر نامه دو ماهه سعی دارند، همه آداب و رسوم و تشریفات متداوله در لژهای جهانی را اجراء کنند. اینان که اکثراً در لژهای خارج از ایران فراهاسون شده‌اند، در ایران برای اجرای برنامه‌های منظم و از پیش تعیین شده، سعی فراوان دارند. برای نمونه يك برنامه دو ماهه لژهای فوق را نقل می‌کنیم:

برنامه دو ماهه:

برادرگرمی

برنامه تا آخر دیماه ۱۳۴۶ را بشرح زیر به استحضار می‌رساند:

| | | | |
|-------------------------------------|------|----|--------------|
| لژ وفا - تنصیب | ۱۳۴۶ | ۱۱ | شنبه |
| » مهر - جلسه اداری | » | » | یکشنبه ۱۲ |
| » آفتاب - تنصیب | » | » | سه‌شنبه ۱۴ |
| » وفا - برنامه بعداً اعلام خواهد شد | » | » | شنبه ۱۸ |
| » صفا - جلسه اداری | » | » | یکشنبه ۱۹ |
| تعطیل | » | » | سه‌شنبه ۲۱ |
| » وفا - سخنرانی | » | » | شنبه ۲۵ |
| » آفتاب - جلسه اداری | » | » | یکشنبه ۲۶ |
| » صفا - تنصیب | » | » | سه‌شنبه ۲۸ |
| تعطیل است | » | » | شنبه ۲ دیماه |
| » مهر - جلسه اداری | » | » | سه‌شنبه ۵ |
| » وفا - برنامه بعداً اعلام خواهد شد | » | » | شنبه ۹ |
| » صفا - جلسه اداری | » | » | یکشنبه ۱۰ |
| تعطیل است | » | » | سه‌شنبه ۱۲ |
| » وفا - برنامه بعداً اعلام خواهد شد | » | » | شنبه ۱۶ |
| » آفتاب - ارتقاء | » | » | سه‌شنبه ۱۹ |

شنبه ۲۳ دی ماه ۱۳۴۶

لژ وفا - تنصیب - شام عمومی در انجمن

سه‌شنبه ۲۶

و آفتاب - تنصیب

شنبه ۳۰

و وفا - برنامه بعداً اعلام خواهد شد

در صورتی که تشکیل جلسات دیگری ضرورت پیدا کند بموقع توسط دبیر مربوط اطلاع داده خواهد شد.

ساعت شروع جلسات همیشه شش بعد از ظهر می باشد - توجه آن برادر ارجمند مخصوصاً علاقمندی و کوشش در حضور موجب کمال امتنان خواهد بود.

کارگردانان و بنیان گذاران لژهای وابسته به اتحادیه لژهای فراماسونهای عضو آلمان، از نخستین روز فعالیت خود سعی کردند، در میان چهار لژ گراند لژ طبقه روشنفکر مملکت و دانشگاهیان نفوذ و رسوخ کنند. مستقل ایران استادان این لژ برای انتخاب اعضای جدید اهمیت خاصی قائل هستند و برای پذیرفتن يك عضو جدید، مقررات و شرایط دشواری در نظر گرفته‌اند. چنانچه برای پذیرفتن يك عضو جدید، می بایستی اقداماتی بشرح زیر معمول گردد:

۱ - لژهای فوق الذکر عضو غیر ماسون و در خواست کنند (جوابنده) می خوانند، در حالیکه در لژهای تابع انگلیسی ها، اینگونه افراد را (بیگانه) می گویند.

۲ - هنگامیکه جوابنده ای تقاضای عضویت در لژ را می کند و یا يك استاد لژ پیشنهاد عضویت فرد جدیدی را مطرح می سازد، درخواست یا پیشنهاد به يك کمیسیون تحقیق که مرکب از افراد زیرند ارسال می شود:

الف - ناظر اول و راهنمای لژ.

ب - دو برادر عضو

ج - یکی از اعضای هیئت رهبری لژ.

اینده که بموجب آراء جلسه عمومی لژ انتخاب می شوند تقاضای (جوابنده)

را مورد بررسی قرار می‌دهد.

۳ - استاد ، ضامن عضو جدید ، باید مسئولیت و ضمانت :

الف - اخلاق و شایستگی

ب - تعهدات مالی

ج - رفتار و درجه اطاعت از دستورات و اوامر را قبول و تعهد کند

۴ - قبل از اینکه قبولی (جوینده) اعلام شود ، بایستی شرح حال او را همراه

با سوابق و صفات و مخصوصاً شایستگی وی برای عضویت در جرگه (بنایان آزاد) اعلام کنند .

۵ - نقاضای (جوینده) در شورای صاحب منصبان مطرح می‌شود .

۶ - اگر شورای صاحب منصبان لژ که از اعضای هیئت رهبری تشکیل شده

است عضویت (جوینده) را رد کرد به استاد معرف و ضامن توصیه می‌کند که پیشنهاد خود را مسترد دارد .

۷ - در صورت قبولی عضویت (جوینده) پیشنهاد استاد ضامن و معرف را به

جلسه شاگردان ارجاع می‌کند .

۸ - اگر در جلسه عمومی اعتراضی نشد ، رئیس کمیسیون پذیرش ، به برادر

معرف می‌گوید تا مدارک زیر را از عضو جدید بگیرد :

الف - شرح حال کامل خود با ذکر محل سکونت .

ب - مشاغل مختلفی که جوینده داشته است .

ج - رونوشت شناسنامه و ۳ قطعه عکس .

د - تکمیل اوراق پرسشنامه .

۹ - در لژهایی که به گرانده لژهای جهانی بستگی دارند ، نسخه‌ای از اوراق

هویت (جوینده) و یا (بیگانه) را به زبانی که آن گرانده لژ با آن زبان کار می‌کند ، تکمیل کرده و به مرکز لژ می‌فرستند .

قبل از تشکیل گرانده لژ مستقل ایران ، اینگونه اوراق به آلمان فرستاده

می‌شد ولی بعد از اعلام استقلال ، اوراق تکمیلی را به کمیسیون تحقیق فرستاده ، پس از تصویب (استاد اعظم) و قبول عضویت (جوینده) به معرف و ضامن اطلاع می‌دهند که نشریات و اوراق اولیه را در اختیار عضو تازه بگذارند.

در تمام دورانی که این تشریفات انجام می‌شود ، تا لحظه قبل از ورود (جوینده) به لژ اسم و عکس و شرح حال (جوینده) در معرض اظهار نظر همه فراماسونها قرار می‌گیرد . اما پس از قبولی عضویت جوینده ، کلیه گزارش‌های کمیسیون تحقیق و ضامن قبل از ورود (جوینده) به لژ ناپود می‌شود .

۱۰ - بعد از اینکه همه مراسم انجام و تحقیقات کامل شد ، ابتدا رئیس کمیسیون تحقیق ، جوینده را به جلسه‌ای که خود او و در عضو دیگر در آن حضور دارند ، دعوت می‌کند و با او به بحث و گفتگو می‌پردازد ، تا بار دیگر صلاحیت و شایستگی او را حضوراً تأیید کنند . در این جلسه مقدماتی پیرامون تشکیلات و هدفهای بنایان آزاد و فراماسونری جهانی را با تازه وارد در میان می‌گذارند . چنانچه او پس از این گفتگوها باز هم داوطلب ورود به جرگه ماسون‌ها بود ، او را وارد لژ می‌کنند و در غیر این صورت موضوع عضویت (جوینده) مسکوت می‌ماند .

۱۱ - چهار هفته قبل از اخذ رأی مخفی ، در جلسه شاگردان ، مشخصات کامل داوطلب در اختیار اعضای جلسه قرار می‌گیرد . هنگام اخذ رأی اگر يك هفتم آراء اخذ شده مخالف پذیرش جوینده بود ، درخواست رد شده ، تا يك سال پس از تاریخ اخذ رأی نمی‌توان عضویت او را تجدید کرد .

۱۲ - اگر تازه وارد تا شش ماه برای تنصیب و انجام تشریفات حاضر نشد ، پرونده او به شورای صاحب منصبان فرستاده می‌شود ، تا نسبت به داوطلب نظر بدهند .

۱۳ - در صورت اعلام قبولی همه تشریفات ورود با چشم بسته به تریبی که در فصول جلد اول شرح داده شد - انجام می‌شود .

در گراند لژ مستقل ایران، برای فرزندان فراماسونهای
 مشخصات ۱۴۳ عضو قدیمی به خصوص فرزندان اعضای لژ بیداری ایران اهمیت
 زیادی قائل هستند. شورای استادان و هیئت رهبری،
 اینگونه افراد را (شیر بچه‌گان) می‌نامند و عضویت آنها را بر سایر داوطلبان و یا
 پیشنهاد شوندگان مقدم می‌دانند. بدین سبب در بین ۱۲۳ عضو چهار لژ (مهر -
 آفتاب - وفا - صفا) عده‌ای از فرزندان لژ بیداری وجود دارند که از جمله آنها
 فرزندان وثوق الدوله (علی وثوق) و قوام السلطنه (هادی قوام) را بایستی نام برد.
 در بین اعضای چهار لژ فوق‌الذکر که اسامی و مشخصات آنها تا پایان سال
 فراماسونی (۱۳۴۶-۱۳۴۷) بدست آمده است و عیناً نقل خواهد شد، هفت استاد
 فراماسونی آلمان هستند که به نظر می‌رسد، این عده از مؤسسين لژ آلمانی زبان
 آفتاب (قبل از اعلام خودمختاری) بوده‌اند.

این گروه که هنوز هم نامشان در بین اعضای لژ آفتاب نوشته می‌شود
 عبارتند از:

فن شیالات - شتگل - فوکل - کرمر - لاکروا - مولر - واناشافت .

علاوه بر اینها در خارجی دیگر، یکی «سید طیب حسین» سفیر سابق
 پاکستان در تهران و دیگری (ژوزف بو) تبعه سوریه رانیز بایستی نام برد.

از ۹ نفر مذکور که بگنزریم، بقیه یکصد و چهار نفر عضو لژهای چهارگانه
 هستند که در بعضی از لژهایش نفر زیر، در دو لژ عضویت دارند.

۱ - نصرالله انتظام و مهندس رضاکیوانی، در لژهای مهر و وفا

۲ - ابوالحسن حکیمی و ادوارد ژوزف در لژهای مهر و صفا

۳ - عبدالله انتظام و دکتر جمشید مفخم در لژهای وفا و صفا

بدین ترتیب در چهار لژ گراند لژ مستقل ایران تا پایان سال فراماسونی ۱۳۴۶ -

۱۳۴۷ یکصد و بیست و سه فراماسون ایرانی و خارجی به شرح زیر فعالیت می‌کردند:

۱ - لژ مهر ۴۲ عضو

۲ - لژ آفتاب ۳۱ «

۳ - لژ وفا ۳۵ «

۴ - لژ صفا ۱۵ «

اینک به نقل اسامی ۱۲۳ عضو ایرانی و خارجی گرانده لژ مستقل ایران ،
 مستخرج از اسناد رسمی دبیرخانه لژ می پردازیم :

لژهای تابع قانون اساسی گرانده لژ علی ایران

«لژ مهر»

الف :

آژبر - دکتر احمد

آذین فر - حسن

ادیبی - ابراهیم

ابهری - دکتر علی

اصفهانیان - حمید

اصفہانی - دکتر علی اکبر

انتظام - نصراله

ب :

بهمین - سیفاله

بختیار - آقاخان

بیات - پرویز

پ :

پیرنیا - دکتر حسین

پویانی - محمدحسن

ت :

تهرانیان - احمد

تقی زاده - سیدحسن

ج :

جمال پور - علی

جلیلی - سیدابوالحسن

ح:

حریر فروش - فتاح

حکیمی - ابوالحسن

خ:

خسروانی - دکتر خسرو

د:

دری - محمد

ز:

زرین کفش - علی اصغر

زرین کوب - دکتر عبدالحمین

ژ:

زوزف - ادوارد

ص:

صبا - نصراله (مختارالملک)

صدرزاده - مهدی

صفا - دکتر ذبیح‌اله

ع:

عرفان - محمود

ف:

فرناش - دکتر منوچهر

فرشی - محمدحسن

فلاح رستگار - احمد

ق:

قوام - محمد

ک:

کیوانی - مهندس رضا

فرخان - هوشنگ

فرمانفرمایان - دکتر حافظ

م :

مرشد - دکتر حسن مطیر - محمود

ن :

نجفی عرب - سیف‌الہ نیامیر - کاظم

و :

ورزیندہ - حبیب‌الہ

ه :

ہاکویان - زاون ہمایونفر - محمد

ی :

یار شاطر - دکتر احسان

« لڑ آفتاب »

الف :

اردافی - خسرو

اسکندانی - دکتر تقی

امیر حکمت - دکتر کیومرث

ب :

بو - ژوزف

ت :

تہرانی - دکتر منوچہر

ج :

جہانداری - کیکاروس

ح :

حکیم زادہ - رضا

ز :

زریاب خوئی - دکتر عباس
زند - دکتر امیر حسن
زند - دکتر داریوش
زند - شاهرخ

س :

ساعطان زاده پسیان - دکتر حسینعلی

ش :

شیلا رت - فن فرانتر گنورک (در آلمان) شتگل - والتر (در آلمان)
شیبانی - دکتر احمد علی شیخ الاسلامی - مهندس حسینعلی
شیلاتی - دکتر امیر

ف :

فخر طباطبائی - غلامحسین فوگل - دکتر تودور (عضو افتخاری)

ک :

کرمر - دکتر گنورک (در آلمان) کورس - حسن

ل :

لاکروا - دکتر هانز ورنر (در آلمان)

م :

ملک اصلاتیان - دکتر امانوئل مولر - بورنر (عضو افتخاری)
میکنده - مهندس غلامعلی میکنده - فریدون

ن :

نبوی - مهدی

و :

وانیافت - اسکار (در آلمان)

ه :

هربا - گرت (در آلمان)

«لڑ و فا»

الف :

اخوت - محمد
 امینی - ایرج
 انتظام - نصرالہ
 الی - دکتر خان بابا
 انتظام - عبدالہ

ب :

بجستانی - مہندس کاظم
 بہرامی - علی اکبر
 بیگاری - احمد علی

پ :

پورنسکی - دکتر رسول

ت :

تاج بخش - ہنوچہر

ج :

جہاننداری - کیکاووس

ح :

حافظی - دکتر مسعود

ز :

زویاب خوئی - دکتر عباس
 زرین کفش - علی اصغر

س :

سیاح - حمید

ش :

شاهمیر - مهندس نصرت اللہ^۱

س :

سبا - نصر اللہ^۱ (مختار الملک)

صدوقی - دکتر حسین

صفائی - دکتر جواد

ط :

طباطبائی بزدی - عبدالہ

طیب حسین - سید

ع :

علا - دکتر فریدون

غ :

غفاری - حسنعلی (معاون الدولہ)

ق :

قوام - ہادی

قندی - مهندس حسن

ک :

کیوانی - مهندس رضا

گ :

گنجہ - مهندس رضا

گوہریان - مهندس ابوطالب

م :

مسعود - قیصر

مشیری - علی

مفخم - دکتر جمشید

ملک مدنی - سید ہاشم

و :

وارستہ - عباس

وٹوق - علی

«لژ صفا»

الف:

اتحادیه - یوسف .

اردلان - دکتر اسماعیل

اسدی لشکرودی - نصرت‌الله .

امیر ابراهیمی - دکتر جهانگیر .

امیری - عنایت‌الله .

امین - سید جعفر -

انتظام - عبدالله .

ح :

حکیمی - ابوالحسن .

ژ :

ژوزف - ادوارد .

ش :

شفیعاها

ص :

صفائی سنائی - عبدالعلی

م :

مشکونی - مهندس محمدبولی

مفتاح - حسین

مفخم - دکتر جمشید

مقیم - محمد

ه :

همایونفر - دکتر علی اصغر

آئین نامه لژ مهر

لژ مهر که در هفدهم بهمن ۱۳۳۸ در تهران تأسیس شده بود، پس از اینکه استادان فراماسونی آلمان، منشور تأسیس لژ را که بآن «نور» می‌گویند به ایران آوردند، نخستین کار مهمی که لژ مهر انجام داد، تهیه آئین‌نامه‌ای برای لژ مذکور و سایر لژهایی که از آن پس تشکیل می‌شد، بود. تهیه این آئین‌نامه پنج ماه به طول انجامید و چون پابان آن مصادف با تعطیلات لژها بود، قرار شد، در آغاز سال ماسونی بعد (شهریور ۱۳۳۹ - خرداد ۱۳۴۰) مطرح شود. در نتیجه آئین‌نامه مذکور در جلسه عمومی شاگردان در تاریخ ۱۵ آذر ۱۳۳۹ به تصویب رسید. در آن روز استاد لژسید حسن تقی‌زاده و دبیر لژغلامعلی میکده بود. پس از تصویب آئین‌نامه مذکور در «جلسه عمومی»، هیئت رهبری آنرا برای تصویب به شورای اداری لژ بزرگ ایران، فرستاد و این سازمان نیز آئین‌نامه پیشنهادی را به تصویب رسانید و ذیل آن را آقایان عبدالله انتظام با سمت «استاد بزرگ» و تنی اسکندانی با سمت «دبیر بزرگ» امضاء کردند. متن آئین‌نامه لژ مهر که از باقیمانده اوراق یک شرکت مقاطعه‌کاری به دست آمده است^۱، در اینجا عیناً نقل می‌شود:

۱- از یک همکار مطبوعاتی که این آئین‌نامه را در اختیار نگارنده گذارده است، سیمانه

آئین نامه

لژمهر

در

شرق تهران

مصوب

۱۵ آذر ماه ۱۳۳۹

فهرست آئین نامه

| تا ماده | از ماده | |
|---------|---------|---------------------------|
| ۴ | ۱ | مقدمه |
| ۷ | ۵ | فصل اول - اعضای لژ |
| | ۸ | فصل دوم - تشکیلات لژ |
| | ۹ | جلسه استادان |
| ۱۳ | ۱۰ | الف - وظائف تفتیش |
| | ۱۴ | ب - وظائف اداری |
| ۱۶ | ۱۵ | ج - وظائف قضائی |
| | ۱۷ | جلسه رفیقان |
| ۲۱ | ۱۸ | جلسه شاگردان (جلسه عمومی) |
| ۲۸ | ۲۲ | استاد لژ |
| ۳۰ | ۲۹ | هیئت رهبری |
| ۳۳ | ۳۱ | - شورای صاحب منصبان : |
| | | وظائف صاحب منصبان |
| | ۳۴ | قائم مقام استاد لژ |
| ۳۶ | ۳۵ | ناظران |